



انترناسیونال ۴۱۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۸ شهریور ۱۳۹۰، ۹ سپتامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



می بینند. شما این دوره را چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: این نوع تحلیلهای سطحی و بی پایه است. نه جنایت ۱۱ سپتامبر و نه پاسخ به آن نتیجه تصمیمات شخصی و جنون آمیز بن لادن و یا بوش و یا هر فرد و حزب سیاسی دیگری نبود. در اینجا هم، مانند دیگر تحولات سیاسی در طی تاریخ، افراد عاملین و محملهای انسانی اهداف و سیاستهای معینی

دنیا پس از دهه "یازده سپتامبر"

مصاحبه با حمید تقوایی

انترناسیونال: حمید تقوایی ۱۰ سال از جنایت ۱۱ سپتامبر گذشت. ده سال پرتلاطم و جنگ و کشتار. اولین سوال ما اینست که کل ماجرا از چه قرار بود؟ چرا این اتفاق افتاد؟ برخی میگویند همه چیز تقصیر دو مجنون و جنایتکار

یعنی بوش و بن لادن بود. برخی بالاخره سرنگونی صدام و طالبان را مثبت ارزیابی میکنند و میگویند آمریکا و غرب موفق از این دوره بیرون آمده اند. برخی باتلاق جنگ عراق و افغانستان را بعنوان شکست بورژوازی غرب

یادداشت سردبیر

شوخی های احمدی نژاد را باید جدی گرفت



کاظم نیکخواه

احمدی نژاد رئیس جمهور اسلامی ایران در دنیا و در ایران به این معروف است که حرفهای هوایی و بی اساس زیاد میزند. او کسی است که هاله مشهور نور را دور سر خود دیده و امام زمان را هرروز ملاقات میکند و به همه مردم ویلای هزار متری میدهد، و میگوید در ایران همجنس گرا وجود ندارد و ایران را آزاد ترین کشور دنیا میخواند و هزار چیز دیگر. دو حرف مشابه اینها هم در این روزها زده است. یکی اینکه در اشاره به انقلابات منطقه میگوید در ایران امکان اعتراضات توده ای وجود ندارد چون مردم خواستهایی در آن سطح ندارند، و دیگر اینکه پرداخت یارانه های نقدی را سه برابر خواهیم کرد. نکته اولش را به دلیل اینکه مسخره و بی پایه بودنش بسیار عیان است فعلا کنار میگذارم و سراغ دومی میروم. یعنی سه برابر شدن پرداخت یارانه های نقدی که آنهم به همان حد بی اساس است اما میخواهم نکته ای را در این رابطه تاکید کنم.

بازی با یارانه ها و رفاه مردم و وعده دادن هایی شبیه ویلای هزار متری از بازی های بسیار خطرناکی است که احمدی نژاد برای نگه داشتن باند و اطرافیانش در قدرت به آن متوسل میشود. این را بارها دست اندرکاران حکومت هشدار داده اند که این به ضرر "نظام" است. همین روزها پورمحمدی که اکنون رئیس "بازرسی کل کشور" است اعلام کرد که "وعده های غیر عملی" به ضرر نظام و مسئولین است. و اشاره اش به حرفهای احمدی نژاد در

صفحه ۳

مقابله همزمان با اسلام سیاسی و راسیسم مهم است

گفتگو با مریم نمازی در مورد سفر ده روزه او به استرالیا



در ملیورن سخنرانی کردم که توسط انجمن "پن" و یک سازمان صفحه ۳

"یک قانون برای همه" تامین شد. طی این مسافرت نسبتا کوتاه شش سخنرانی داشتم که از جمله یکی از آنها در یک مراسم شام برای جمع آوری کمک مالی بود همچنین در دانشگاه سیدنی و در مرکز "ویلر"

اینکه این سفر چند روز طول کشید، کجاها رفتی، چه اتفاقاتی افتاد و نکات جالب چی بود؟
مریم نمازی: من برای یک برنامه ده روزه به استرالیا رفتم که هزینه سفر تماما توسط طرفداران کمپین

کاظم نیکخواه: مریم خسته نباشی. گزارش کوتاهی از سفرت را به انگلیسی خواندم و برایم قابل توجه بود. اول ازت میخواهم که یک توضیح یا گزارشی از این سفرت به خوانندگان انترناسیونال بدهی.

اسلام هراسی یا

"دفاع پنهان از ارتجاع اسلامی!"

حسن صالحی

مذهب بد هستند. تقسیم مذاهب به خوب و بد تنها فریب و یا خود فریبی است.
در چند دهه اخیر جهان شاهد عروج جنبشی بوده است که ما به آن اسلام سیاسی می گوئیم. بعضی ها از آن به نام اسلام گرای "فنا تیک" و یا "آفراتی" یاد می کنند. این جنبشی است سیاسی. سیاسی به این معنا که داعیه گرفتن قدرت و اجرای قوانین شریعه اسلام را دارد. فقط به این بسنده نمی کند که در خانه بنشیند و به عبادت خدا بپردازد. صفحه ۶

بعنوان افرادی لائیک طبعاً ما مخالف همه مذاهب از اسلام گرفته تا یهودیت و مسیحیت و دیگر مذاهب هستیم. با رشد بی سابقه علم و پیشرفت بشر، جهان بینی مذهبی هم در توضیح پدیده های طبیعی و هم در تبیین قوانین زندگی و اجتماع بی اعتبارتر شده است. روایت مذهبی آفرینش جهان به دوران طفولیت بشر بر می گردد و رهنمودهای اجتماعی مذهب از جمله حامل زن ستیزی، کودک آزاری و ضدیت آشکار با همجنسگرایان است. از این نظر به اعتقاد ما همه

بازتاب هفته

وزیر دفاع آمریکا و صدای "انقلاب"

بهر روز مهرآبادی

حلقه محاصره تنگ تر می شود

بهر روز مهرآبادی

آب بازی نماد زندگی شده است

یاشار سهندی

بحران اتمی و فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

تظاهرات نیم میلیونی در اسرائیل

صفحات ۵-۴

زنده باد مردم مبارز در آذربایجان!

تنگ بر فاشیستهای تلویزیون گونا

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



دیگر کشورهای کمپ غرب بروشنی شکست طرفین کشمکش دهه یازده سپتامبر و ختم این دوره را اعلام میکند.

انترناسیونال: چرا فکر میکنید انقلابات جاری نقطه پایان این دوره است؟ آیا سیاست تامین هژمونی از سوی آمریکا و شرکا و یا تلاشهای جنبش اسلام سیاسی برای بسط نفوذ خود پایان میرسد؟

حمید تقوایی: بی تردید دولت آمریکا همچنان سیاست تامین قدرقدرتی و سلطه خود بر دنیا را دنبال میکند و نیروهای اسلامی نیز از تلاشهای تروریستی خود دست بر نمیدارند. اما این کشمکش دیگر نه تنها آن نقش و جایگاه گذشته را در شکل دادن به وضعیت سیاسی جهان نخواهد داشت بلکه کاملاً حاشیه ای خواهد شد. تا همینجا نظریه ها و سیاستهای "جنگ تمدنها" و یا "گفتگوی تمدنها" که تا یکسال قبل مضمون بحث و مناظره صاحب نظران سیاسی و رسانه ها و دولتها بود تماماً تحت الشعاع انقلابات و اعتراضات توده مردم در منطقه نفوذ هر دو کمپ قرار گرفته است.

از یک نقطه نظر یعنی تا آنجا که به سیاستهای میلیتاریستی کمپ غرب - که نوکنسرواتیستهای آمریکا جلودار و رهبر آن بودند- مربوط میشود میتوان گفت دوره جنگ

وضعیت چندان بهتری ندارند. جنبش اسلام سیاسی نیز مانند کمپ غرب دستاورد چندانی از این کشمکش دهساله نداشته است.

اما اگر هر دو طرف بازنده اند، برنده چه کسی است؟ چه عاملی هر دو طرف را در پیشبرد سیاستهایشان ناکام کرده است؟ پاسخ روشن است. لاقابل در دوره هشت ماهه اخیر از انقلاب تونس تا امروز باید پاسخ این سؤال برای هر کسی روشن باشد: عامل ناکام ماندن دو قطب تروریستی مردم انقلابی و معترضی هستند که علیه وضعیت موجود بمیدان آمده اند. امروز با قاطعیت میتوان اعلام کرد که هر دو قطب جنگ تروریستی در کشاکش دهساله خود نه از یکدیگر بلکه از مردم شکست خورده اند.

واقعیت اینست که در مقابل این دو کمپ ارتجاعی توده مردم، نیروی سومی که منصور حکمت آنرا جهان متمدن نامید، قرار دارند. منصور حکمت در "دنیا بعد از یازده سپتامبر" نوشت "صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند" و امروز این غول بمیدان آمده است. انقلاباتی که امروز در خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد آن هستیم و همچنین اعتراضات بیسابقه در انگلیس و یونان و اسپانیا و اسرائیل و ایتالیا و

بوده اند.

در این دوره کمپ بورژوازی غرب، و یا بهتر است بگوئیم کمپ سرمایه داری بازار آزاد که طرف پیروز جنگ سرد بود، بوسیله نوکنسرواتیسیم و نتو لیبرالیسم نمایندگی میشد. این خط از همان دوران مارگارت تاچر و رونالد ریگان در کمپ بورژوازی جهانی دست بالا پیدا کرد، فرو ریختن دیوار برلین را بحساب خودش گذاشت و بعد از جنگ سرد، همانطور که در جواب به سؤال قبل اشاره کردم، عامل اجرای سیاست تامین هژمونی آمریکا و شرکایش بر دنیای یک قطبی پسا جنگ سرد بود. برای پیشبرد این استراتژی نوکنسرواتیستهای آمریکا از همان مقطع جنگ خلیج در سال ۹۱، مشخصاً سیاست میلیتاریستی و

دخالتهای نظامی (که بعد از یازده سپتامبر تحت عنوان "حمله پیشگیرانه" رسماً بدینا اعلام شد) را در دستور خود قرار دادند. بر متن این شرایط سیاسی یازده سپتامبر در واقع محملی شد برای تعرض همه جانبه و فعال مایشائی این خط میلیتاریستی در کمپ بورژوازی غرب.

با اینهمه و علیرغم تمام لشکرکشیها و تبلیغات دولتها و رسانه های غربی امروز دولت آمریکا و کل کمپ غرب نه تنها به قدرت بلانمازع و هژمونیک در جهان- حتی در همان سطح موقعیتی که در اواخر دوره جنگ سرد در دهه هشتاد داشت - تبدیل نشده بلکه کمپ غرب از هر زمان دیگری بهم ریخته تر و بی ثبات تر است. در عین حال اشتباه است اگر این نافرجامی را بحساب پیروزی و یا پیشروی قطب مقابل یعنی جنبش اسلام سیاسی بنویسیم. این جنبش نیز در مقایسه با دوره اوج خود در اوخدهه نود و اولین سالهای بعد از یازده سپتامبر، بسیار ضعیف تر و نامنسجم تر است. ضعف و درمماندگی جمهوری اسلامی، حکومتی که ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی است، هم در عرصه سیاست داخلی و هم سیاست خارجی، خود نشانه گویائی از افول این جنبش است. دیگر نیروهای کمپ اسلام سیاسی نظیر القاعده و حزب الله و حماس و دولت سوریه نیز

اسلامی که در اواخر دوره جنگ سرد با هدف مقابله با نفوذ شوروی مشخصاً در افغانستان و در برخورد به انقلاب ۵۷ ایران بوسیله خود دولتهای غربی تقویت شده و بجلو رانده شده بودند، بعد از یازده سپتامبر رسماً و علناً بعنوان دشمن شماره یک غرب و "محور شر" بدینا معرفی شدند و به این ترتیب دولت آمریکا و شرکا جانشین تازه ای برای "امپراطوری شر" شوروی سابق و حفظ انسجام و موضوعیت کمپ غرب یافتند. جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرد یا با ما هستید و یا با تروریستها. و به این ترتیب جهان دو قطبی تازه ای، قطب تروریسم میلیتاریستی کمپ غرب در برابر تروریسم اسلامی شکل گرفت.

کشمکش میان این دو قطب در دهه بعد از یازده سپتامبر مهر خود را تقریباً بر همه تحولات سیاسی این دوره کویید. از حمله به عراق و افغانستان تا عملیات انتحاری نیروهای اسلامی در مالی و مادرید و لندن، از بقدرت رسیدن حماس در نوار غزه تا افسار گسیختگی حزب الله لبنان و رشد نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه و تا شکل گرفتن نیروهای اسلامی "خوش خیم" در عراق و افغانستان و حتی در خود کشورهای غربی و رواج یافتن مسجد سازی و دادگاههای شریعه و قتلهای ناموسی در این کشورها. این ما حصل دوره ای است که این روزها رسانه ها بعنوان "دهه یازده سپتامبر" به جمع بندی و ارزیابی اش میپردازند. این دهه حاصلی بجز جنگ و کشتار و بیخامنای و فعال مایشائی ارتجاعی ترین گرایشات و نیروهای سیاسی در غرب و در شرق برای توده مردم دنیا نداشته است.

انترناسیونال: بهر حال برنده این جنگ و کشاکش بنظر شما کدام طرف بود؟ بازنده کیست؟ بعد از ۱۰ سال جنگ و کشاکش خونین دنیا به کدام سمت میرود؟

حمید تقوایی: به نظر من هیچیک از طرفین این کشمکش به اهداف خود دست نیافته و حتی پیشروی جدی ای در این جهت نداشته است. بعبارت دیگر هر دو طرف بازنده این جنگ

از صفحه ۱
دنیا پس از دهه "یازده سپتامبر"

اهداف و سیاستها را شناخت. نظراتی هم که پیشروی و عقب نشینی یا شکست و پیروزی هر یک از طرفین را بر مبنای تغییر و جایجائی افراد و حتی دولتها ارزیابی میکند چیزی را توضیح نمیدهد. بر کناری بوش و یا مرگ بن لادن عامل مهمی در سیر روندی که بعد از یازده سپتامبر آغاز شد نبوده است. سرنگونی صدام و طالبان و بن بست غرب در عراق و افغانستان فاکتورهای مهمتر و قابل بحث تری است اما در رجوع به این فاکتورها هم باید زمینه و بستر سیاسی این تحولات را مدنظر قرار داد. در هر حال واضح است که برای ارزیابی شکست و پیروزی هر یک از طرفین قبل از هر چیز باید از سیاستها و اهداف طرفین این کشمکش درک و شناخت درستی داشت.

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ خود نقطه عطفی در یک دوره سیاسی بود که از حدود ده سال قبل آغاز شده بود. دوران پس از جنگ سرد و در دستور قرار گرفتن استراتژی سلطه بر دنیای بعد از شوروی بوسیله کمپ غرب و بزعامت دولت آمریکا. این دوره با جنگ اول خلیج در سال ۹۱، که منصور حکمت آنرا "طلوع خونین نظم نوین جهانی" نامید، آغاز شد. دوره ای که چهره سیاه آن با تحولاتی نظیر جنگهای ملی- مذهبی- قومی در یوگسلاوی، فعال شدن مذهب و شیونیسیم ملی در جمهوری های سابق شوروی، گسترش جنگهای قبیله ای و قتل عام و نسل کشیهای بیسابقه در کشورهای آفریقائی، بجلو رانده شدن پاپ و کلیسای کاتولیک و کلا مذهب در عرصه سیاست در خود جوامع غربی، دست بالا پیدا کردن دخالتگری نظامی و سیاستهای میلیتاریستی در کمپ غرب و غیره مشخص میشود. جنبش مافوق ارتجاعی اسلام سیاسی که جنایت یازده سپتامبر را آفرید خود در امتداد این تحولات و جزئی از فرآورده ها و ملزومات سیاسی این دوره بود.

با یازده سپتامبر "نظم نوین جهانی" خونین تر و وحشیانه تر شد. نیروهای

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

از صفحه ۱

شوخی های احمدی نژاد را باید جدی گرفت

مورد سه برابر کردن یارانه ها و امثال اینها بود. در مجلس نیز نمایندگان مجلس اسلامی میگویند وعده ایجاد يك ميليون و دوست هزار شغل اساسا با توجه به هزینه های آن برای جمهوری اسلامی غیر ممکن است. و بارها گفته اند که این ها تبلیغات انتخاباتی جناح احمدی نژاد است و بسیار خطرناک است. اما جناب احمدی نژاد گوشش بدهکار این حرفها نیست زیرا تنها امیدی که برای آویزان ماندن در حکومت برایش مانده بازی کردن با کارت مردم است. به همین دلیل تلاش میکند با کارت مردم بازی کند. او با وعده ویلا و وعده ایجاد اشتغال میلیونی و پرداخت سه برابر یارانه هایی که هنوز يك برابرش هم پرداخت نشده، دارد تلاش میکند این چند ماهه توجه ها را به سوی خود جلب کند

اما آیا احمدی نژاد نمیداند که انتخابات جمهوری اسلامی يك نمایش مسخره است و برد و باخت در آن به شرکت یا عدم شرکت مردم ربطی ندارد؟ هرکس نداند احمدی نژاد باید این را خوب بداند. چون چیزی که این جناب را "از سربازی به سرداری" رسانده یعنی او را از يك پاسدار تیر خلاص زن یا فرماندار

از صفحه ۱

گفتگو با مریم نمازی...

زنان بنام "ویسا" تدارک دیده شده بود. تمام این مراسم ها با استقبال خوبی مواجه شد و بلیط های ورود تماما فروش رفته بود. علاوه بر سخنرانی ها من هرروز دو تا سه مصاحبه داشتم. از جمله مصاحبه های رادیویی، مصاحبه با نشریات کتبی، و مصاحبه های تلویزیونی. این ها لینک يك سری از مصاحبه هایی است که داشتم و تعدادی هم قرار است بعدا منتشر شوند. (لینکها را در زیر ضمیمه کرده ایم انترناسیونال) برای من جالب بود که تعداد زیادی از مردم با کمپین "يك قانون برای همه" و با فعالیتهای و کارهای من آشنا بودند. در رادیوی ای بی سی لایو شبانه (ABC Radio National's Late Night Live) مدیر برنامه مشهور "دی وی" با من مصاحبه کرد که برنامه

ماکو و شهردار تهران و امثالهم به رئیس جمهور نظام اسلامی تبدیل کرد، عالم و آدم میدانند که رای مردم نبود بلکه رای خامنه ای و حواریونش بود. بنابراین چه فایده ای دارد که بفرض احمدی نژاد بتواند رای بخشهایی از مردم را به طرف خود جلب کند؟ این يك سوال واقعی و جدی است. پاسخ آن بنظر من اینست که او روی رای مردم حساب نکرده است. بلکه همانگونه که اشاره کردم دارد با کارت مردم بازی میکند. دارد تلاش میکند به ولی فقیه و حواریونش هشدار دهد که اگر هوای او را نداشته باشند و اگر بخواهند کاندیداهای او و یارانش را در نمایش انتخاباتی آتی حذف کنند و اگر احيانا نقشه داشته باشند که او و هم پالگی هایش را به صف مغضوبین نظام تبعید کنند، او هم میتواند مردم را تحريك کند. میتواند کاری کند که در فضای خشم و نفرت عمومی از حکومت، يك خیزش توده ای دیگر تکرار شود. فعلا به این کاری نداریم که چقدر این محاسبه واقعی یا تخیلی است. بهررو این حدس من از محاسباتی است که در فکر احمدی نژاد و دارو دسته اش عمل میکند. شاید هم او واقعا آنقدر احمق باشد که بعد از این همه سال و اینهمه تجربه و مشاهده و حذف خودی ها و امثال اینها هنوز متوجه نشده باشد که موضوع انتخابات

تازه اش بنام "میتونیم در این مورد صحبت کنیم؟" در مورد آزادی بیان و سانسور و اسلام است. همان زمانی که من مصاحبه داشتم افتتاحیه این برنامه در سالن اپرای سیدنی در جریان بود. بعدا قرار است در سطح بین المللی این برنامه ها معرفی شود. برای من جالب بود که در خلال مصاحبه متوجه شدم که این برنامه مستند-رقص-تئاتر يك مبتنی بر مصاحبه ها و افکار و سخنرانی های افرادی نظیر من است. بطور واقعی یکی از چهره های این برنامه خود من هستم. من در این سفر همچنین دو زن نویسنده را ملاقات کردم که کتاب نوشته بودند و بخشهایی از کتابشان را به فعالیتهای من علیه اسلام سیاسی اختصاص داده بودند. و بسیاری را دیدم که مدتها فعالیتهای مرا دنبال کرده بودند و با آن آشنا بودند.

استقبال از این سفر در واقع اهمیت

کذایی از چه قرار است و بقول آن ضرب المثل شیرازی "کجو به کجاس نقل کجاس!"

بگذریم. نکته ای که در این یادداشت کوتاه میخواهم تاکید کنم اینست که احمدی نژاد و شرکایش به هر دلیلی که وعده ویلاي هزار متری میدهند و به هر دلیلی که وعده ایجاد اشتغال میلیونی میدهند و بهر دلیلی که وعده سه برابر کردن پرداخت یارانه های نقدی را میدهند، ما کارگران و مردم باید این وعده ها را جدی بگیریم و علیه حکومتشان از آن استفاده کنیم. حقیقت اینست که دست اندرکاران حکومت و از جمله احمدی نژاد میدانند که میلیونها نفر مشکل و معضل جدی مسکن دارند و در آلودگی های نمور غیر قابل زندگی با کرایه سرسام آور زندگی میکنند. میدانند که بیکاری در ایران میلیونی است و چندین میلیون زن و مرد و جوان بدون هیچ شغلی و بدون هیچ بیمه بیکاری ای، دارند در بی افقی و بی آیندگی کامل زجر میکشند. و اینها میدانند که گرانی دو و حتی سه رقی دارد کمر مردم را میشکند. و خشم و اعتراض مردم را هم می بینند و می دانند. از همین روست که در کشاکش های درونی شان وقتی میخواهند با کارت مردم بازی کنند سراغ این مسائل میروند و تلاش میکنند خود را همدرد مردم یا دلسوز مردم نشان دهند. کاری که

کمپین "يك قانون برای همه" را اثبات میکرد و همچنین نشان میداد که چقدر برای پاسخی از نوع پاسخ ما یعنی پاسخ انسانی و مسئولانه به مساله اسلاميسم و قوانین شریعه عطف و اشتیاق وجود دارد.

ک.ن: کلا فضای استرالیا را در رابطه با مساله جنبش اسلام سیاسی چگونه دیدی؟ و فکر میکنی تاثیر حضور چند روزه تو در استرالیا چه تاثیری در این رابطه خواهد داشت؟

مریم نمازی: من مشابهت های زیادی میان استرالیا و انگلستان یعنی جایی که در آن زندگی و مبارزه میکنم دیدم. گرچه در انگلستان مسائل عمیق تر و واضح تر است. به يك معنا استرالیا یادآور انگلستان چند سال پیش است. به همین دلیل این مهم بود که با اسلام سیاسی مقابله شود در عین حال که با راسيسم نیز مقابله میشود و از حقوق جهانشمول انسان، سکولاریسم و

قبلا هم جناحهای ناراضی حکومت از دوم خردادها تا موسوی و کروبی و فرسنگانی کرده اند و هدفشان هم اساسا حفظ نظام کثیف اسلامی شان و جناح مربوطه شان در قدرت است. فکر نمیکنم کسی از مردم در نیت پلید هیچکدام از اینها شکی داشته باشد. اما ما میتوانیم از اعترافاتی که دارد در این بازی ها صورت میگیرد در مبارزه خود علیه کل نظام و حاکمین استفاده کنیم.

این وعده ها بقول دست اندرکاران رژیم برای نظام اسلامی خطرناک است به شرطی که ما مردم اعترافات پشت آنرا به دست بگیریم و مقابل حکومتیان قرار دهیم. این برآستی قابل توجه است که رئیس جمهور حکومت چپاولگر اسلامی دارد به وجود معضل مسکن صریحا اعتراف میکند، اما کارگران و مردم هنوز خواست "مسکن مناسب حق همه است" را وسیعا مطرح نکرده اند. باید برای مسکن مناسب و همان ویلاهای هزار متری به میدان آمد گفت مسکن مناسب حق همه است و اگر حکومتیان دهان باز کردند به آنها گفت این حق ماست و شما هم خود وعده داده اید. باید به گرانی چند ده درصدی و چند صد در صدی هرچه گسترده تر اعتراض کرد و خواهان این شد که حقوق ها و دریافتی های همه کارگران و مردم باید کفاف زندگی انسانی را بدهد. و باید به

حقوق شهروندی و پناهندگی دفاع شود.

ک.ن: آیا حرکت سازمان یافته ای از جانب جریانات چپ و سکولار علیه تحركات اسلامی ها وجود دارد؟ و فکر میکنی حضور تو در این رابطه تکانی بوجود خواهد آورد؟

مریم نمازی: فکر میکنم این سفر کمک کرد که افراد و گروههای مختلف آن نوع ابزار لازم برای مقابله با اسلام سیاسی که در عین حال ضد راسيسم هم باشد را بدست آورند. در غرب بویژه این مساله جدی ای است چرا که راست افراطی خیلی پرسرو صداست. در استرالیا مخصوصا این جنبه ضد راسيسم بودن نقد ما مهم است زیرا قانون "استرالیای سفید" تا همین دهه هفتاد در این کشور اجرا میشد. این قانون برای مثال جلوی اینکه غیر سفید ها بتوانند در استرالیا ساکن شوند را میگرفت. بعلاوه در استرالیا رفتار دولت با

بیکاری چند میلیونی اعتراض کرد و یا کار یا بیمه بیکاری مکفی را مورد پافشاری قرار داد. بگذار آنها به جان هم بیفتند. بگذار بگیرند این وعده را فقط احمدی نژاد و دولتش داده. بگذار بگیرند عملی نیست. به هر کدام از این مواضع که بیفتند کارشان به جاهای باریک میکشد. اعتراف سران حکومت به معضلات کمر شکن مردم، به هر صورتی که صورت گیرد را باید بدست گرفت و در مبارزه علیه حاکمین و علیه مفتخوران حاکم استفاده کرد. روشن است که فشار فقر و فلاکت و بیکاری تا زمانی که حکومت اسلامی در قدرت است بهیچ وجه از دوش کارگران و مردم برداشته نخواهد شد. برای خلاصی از معضل مسکن و معضل بیکاری و معضل گرانی سرسام آور، باید این حکومت مفتخوران اسلامی سرمایه دار را به زیر کشید. اما مبارزه و مقابله هرروزه کارگران و مردم با این حکومت در کارخانه و کوچه و خیابان در جریان است و برای پیشروی این مبارزات و بعنوان يك تاکتیک بدیهی است که باید از همه خلل و فرج و شکافهای حکومتیان و اعترافاتشان، علیه حکومت و حاکمین بخوبی استفاده کرد.*

افراد بومی و پناهندگان بسیار زشت است. بنابراین يك افق ضد راسيسم لازم است که به مردم اجازه دهد که بر اساس آن با اسلاميسم طرف شوند و آنرا زیر سوال ببرند و با مردم خاورمیانه و شمال آفریقا احساس همبستگی کنند.*

Maryam Namazie's in depth interview with Virginia Hausegger, ABC News 24's One Plus One program, 2 September 2011.

Keeping quiet allows intolerance to thrive, Elizabeth Farrelly, Sydney Morning Herald, 1 September 2011.

British experiment a warning on Sharia law, Chris Merritt, The Australian, 26 August 2011.



بهروز مهر آبادی

از نظر خواستها و اهداف، به مراتب عمیقتر و پیشرفته تر از سایر کشورهای منطقه است. خواست برچیده شدن بساط استعمار، برابری زن و مرد، سکولاریسم، آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی های بدون قید و شرط سیاسی، ممنوعیت اعدام و... در ردیف خواست های بدیهی مردم در مقابله با حکومت اسلامی هستند. تأکید "انقلاب" مردم ایران توسط وزیر دفاع آمریکا، روشن است که تأکید خواسته های مردم و حمایت از آنها نیست. این اظهار نظر را فقط می توان به حساب قدرت جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران گذاشت که صدای "انقلاب" را به گوش آقای لئون پانتا هم رسیده است.*

وزیر دفاع آمریکا و صدای "انقلاب"

آمریکا را ناچار می کند تا به راحتی از امکان بروز "انقلاب" در ایران، صحبت کند.

سیاست آمریکا تاکنون معطوف به این بود که بتواند با جمهوری اسلامی به سازش برسد و با جناحی از درون نظام کنار بیاید. اما جنبش گسترده انقلابی مردم ایران در دو سال گذشته، بروز انقلابات در تونس، مصر، لیبی و سوریه دولت آمریکا را متقاعد کرده که حکومتی بنام جمهوری اسلامی در ایران نمی تواند وجود داشته باشد. و علاوه سیاست رژیم چنگ هم قبلا شکست خورده و آبرو باخته شده است. آمریکا در تونس، مصر و لیبی تلاش می کند تا توسط ارتش و نیروهای وابسته به خود نهاد های حافظ سرمایه و چهار چوبهای اقتصادی و اجتماعی نظام قبل را حفظ کند و دست نخورده نگاه دارد. بدون شک این سیاست را در ایران هم پیش خواهد برد. اما آیا این کار در ایران به سادگی امکان پذیر است؟ جنبش اجتماعی مردم ایران به ویژه

"به نظر می رسد انقلاب در ایران دیر یا زود به وقوع می پیوندد." این جمله ای از سخنان آقای لئون پانتا وزیر دفاع جدید آمریکا است. این صحبت ایشان را نمی شود به حساب تازه کار بودن گذاشت. ایشان چندین سال رئیس سازمان سیا بوده است. نزدیک به یک دهه است که مردم ایران بطور عملی آغاز یک انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و بنیانهای آن را در دستور کار خود گذاشته اند و هیچ سیاستمدار تازه کاری در جهان از این امر بیخبر نیست. تا یک سال قبل به ندرت می شد که لفظ "انقلاب" را از دهان یک مقام آمریکائی شنید. "انقلاب" در عصر حاضر و در کشورهای مختلف چیزی جز خواست اکثریت جامعه برای سرنگونی نظام سرمایه داری و دولت حافظ آن و پایان دادن به فقر و فلاکت و سرکوب و خفقان نیست. تصور لطمه خوردن به بنیانهای سرمایه داری در نظر دولتمردان آمریکا خود جرم به شمار می رود. اما به نظر می رسد که تغییری در جهان بوجود آمده که وزیر دفاع

بازتاب هفته

تظاهرات نیم میلیونی در اسرائیل

هزار نفری در تل آویو صورت گرفت که تا آن زمان رکورد تظاهرات را داشت. در شهرهای دیگر اسرائیل نیز تظاهرات ادامه دارد.

گرچه تظاهرات و تجمعات اسرائیل مستقیماً در اعتراض به برنامه های ریاضت اقتصادی شروع شده است اما خواستهای تظاهر کنندگان آشکارا بسیار از اعتراض به این برنامه ها فراتر می رود. این تظاهرات تحت تاثیر مستقیم

روز شنبه ۶ سپتامبر بیش از ۵۰۰ هزار نفر در تل آویو دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در ادامه بیش از دو ماه تجمعات و اعتراضات و تظاهرات بخشهای مختلف کارگران و مردم اسرائیل در اعتراض به سیاستهای ریاضت اقتصادی حکومت انجام میشود. در تظاهرات روز شنبه تظاهر کنندگان از جمله میگویند "حکومت از فقرا میگیرد و به ثروتمندان میدهد. شرم بر این



انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا است. دولت دست راستی نتینیاو در هفته های اول تلاش کرد در مقابل تظاهرات کارگران و جوانان خود را به بی خیالی بزند. اما با رشد دامنه تظاهرات و ادامه یافتن آن، کمیسیونی را مامور بررسی خواستهای تظاهر کنندگان کرد. اما سخنگویان اصلی معترضین امید می بینند که تلاشهای این کمیسیون ندارند و تنها فشار بر حکومت را برای عقب راندن آن مفید میدانند. فعالین این حرکت وعده داده اند که در حرکت بعدی یک میلیون نفر جمع خواهند شد.*

مختلف گسیل کند. هراس از فرو ریختن قلعه ها و برج و باروها و دیوارهای زندان ها را می توان در حرفهای معاون وزیر اطلاعات دریافت. حلقه محاصره مردم به دور نظام اسلامی هر روز تنگ تر می شود.*

حکومت" یکی از سخنرانان میگویند ما تعهد میدهیم که تا زمانی که حکومت خواستهای ما را عملی نکرده کاری کنیم که آنها خواب به چشمان نیابند. یکی از جوانان در سخنرانیش میگویند من نوه یکی از قربانیان هالوکاست هستم. ۲۵ سال دارم و در زندکیم در این کشور جز جنگ و کشتار و بمب و ترور ندیده ام. اکنون میخواهم اوضاع را تغییر دهم. من اکنون ۴۹ روز است که به اسرائیلی بودن خود افتخار میکنم. تظاهرات روز شنبه بزرگترین تظاهرات تاریخ اسرائیل بود. چند هفته قبل از آن یک تظاهرات ۲۵۰

حلقه محاصره تنگ تر می شود

بهروز مهر آبادی

در آنجا متمرکز کرده است. اما تظاهرات و اعتراضات قدرتمند مردم ارومیه و تبریز در هفته گذشته به رژیم نشان داد که هیچ جای ایران برای حکومت اسلامی، امن نیست.

رضوی معاون امنیتی وزیر اطلاعات روز دوشنبه ۱۴ شهریور در جلسه ای در خراسان به عجز رژیم اعتراف کرد و گفت: "در بازنگری ها مسئله مهم و اشتباهی که به نظر آمد تمرکز سرکوب فتنه در پایتخت بود، در این راستا توجه به تمام نقاط کشور بویژه نقاطی که از لحاظ قومیت و فرهنگ و مذهب تعدد وجود دارد بسیار ضروری است." او تلاش کرد که این اعتراضات را قومی و مذهبی قلمداد کند و از جمله خراسان را آسیب پذیر نامید. اما سایت "جوان آنلاین" وابسته به سپاه پاسداران در مقاله ای در همان روز احتمال بروز آشوب های جزیره ای در شهرهای

حفاظت و حراست از بیت رهبر، مجلس، ساختمان های دولتی و وزارتخانه ها، رادیو و تلویزیون و سایر نهادهای کلیدی رژیم در مقابل امواج خشم و نفرت مردم یکی از معضلات بزرگ جمهوری اسلامی بوده است. وضعیت این نهاد ها را می توان با قلعه های قرون وسطی مشابه دانست. در اطراف این قلعه ها بجای خندق های عمیق پر از آب، دیوارهای بلند و سربازان مسلح به نیزه و تیرکمان، می توان سیم های خاردار، دوربین های مدار بسته، میدان های مین، برجهای نگهبانی مجهز به سلاح های سنگین و پاسداران و ماموران لباس شخصی رژیم را دید که نزدیک شدن هر جنبه ای آنها را به وحشت می اندازد. این قلعه ها همه در تهران مستقر هستند و جمهوری اسلامی برای محافظت از آنها بیشترین نیروی سرکوب خود را

کوچک را داد و آترا به خاطر سیاست های جریان انحرافی (یعنی دولت) دانست. جمهوری اسلامی حتی برای یک روز هم نمی تواند از تمرکز نیروهای سرکوبگر خود در تهران بکاهد. این کار برایش بمنزله خودکشی خواهد بود. در طول سالهای اخیر قوای خود را از نقاط مختلف کشور به تهران گسیل کرده تا از مرکز قدرت خود محافظت کند و توان کافی برای ایجاد مراکز سرکوب در نقاط دور از تهران و شهرهای بزرگ را ندارد. در صورت گسترش اعتراضات مردم به شهرهای کوچک، دست رژیم در سرکوب بسته است. بویژه اگر این اعتراضات بطور همزمان و در چند شهر صورت گیرد. یک بازوی مهم سرکوب رژیم در تهران و شهرهای بزرگ، دستگاه جاسوسی امنیتی گسترده، بسیجی ها و گله های اوباش لباس شخصی است که در محل زندگی و کار خود شناخته شده نیستند. اما آنها در شهرهای کوچک خیلی زود شناسائی شده، حتی از

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بازتاب هفته

آب بازی نماد زندگی شده است

یاشار سهندی

چیست؟ چرا آب بازی اینقدر خطرناک و مهم شده است؟

آب بازی جوانان در دو ماه پیش در پارک آب و آتش تهران که بعداً در شهرهای دیگر در جنوب و شرق کشور هم تکرار شد گویای خیلی چیزها بود. همین عمل ساده نشان داد و ثابت کرد که این کشور اسلامی



نیست، اسلام زده است. نشان داد این مردم خیلی ساده و روشن در پی یک زندگی انسانی هستند و میخواهند در کنار هم شاد باشند بدون از کینه و عداوت و جاقو و تفنگ. نهایت سلاح اینها تفنگ پلاستیکی آب پاش بود که بر خلاف سلاحهای واقعی رنگهای بسیار شاد هم دارند و کسی را هم نمی ترساند بلکه با دیدنش هر انسانی به شمع در می آید. خنده های از ته دل دختران و پسران (بخصوص دختران) نماد یک خواست روشن بود، یک زندگی بدون توهین و تحقیر. در جمهوری اسلامی برای چند ساعتی عده ای از جوانان از غم دنیا فارغ بودند و در هیاهوی کودکانه آب به روی هم پاشیدند تا به این دنیای عصیبت نشان داده باشند میشود شاد بود، اگر بگذارند. و همین نشانه های روشن از یک زندگی انسانی بود که جمهوری اسلامی را به هراس افکند. رژیمی که سی و دو سال است دارد به هر خشونتستی متوسل میشود تا تخم وحشت را در دل مردم بکارد تا این نشانه های زندگی انسانی را از صحنه روزگار

نیروی انتظامی حکومت اسلامی باند تبهکاران و جنایت کاران را دستگیر کرده باشد با افتخار اعلام کرده است: "در هفته جاری تعداد دیگری از آب بازی در پارک آب و آتش تهران را دستگیر کرده است". سردار رادان قاتل به نام جمهوری اسلامی سینه جلو داده است و رسماً

آب بازی را جرم اعلام نموده است. دادستان جمهوری اسلامی که در هنگام بازجویی متهمان را گاز میگیرد گفته است آب بازی جرم نیست به شرط اینکه خلاف شرع نباشد! این یعنی اینکه جرم است و به شدت هم جرم است چون شرع خداوندی را نشانه گرفته است. اژه ای گفته است: "این جریان، آب پاشی نیست، این جریان، از بیرون هدایت می شود، برخی از افرادی که دستگیر شدند، می گویند گول خوردیم و نمی دانستیم. برخی نیز می گویند با فراخوان فلان جریان ضد انقلاب آمدم بیرون." ایشان وعده داده است "دستگاه قضایی برخورد خواهد کرد". یک حکومت "با اقتدار" چرا از یک آب بازی "چند تا جوان" اینگونه بترسد که پای شرع خداوندی را پیش بکشد و وعده بازداشت و زندان بدهد؟ به گفته نیروی انتظامی این حکومت دو ماه است که در پی دستگیری جوانانی است که در پارک آب و آتش آب بازی کرده اند. و در این هفته به همه مردم خبر میدهد که مردم بپوش باشید ما چند تا از آن جوانان "آب باز" را گرفتیم. هراس رژیم هراس افکن از

بحران اتمی و فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی

محمد شکوهی



پایان آن در افق دیده شود ادامه دارد. در واقع نه برای غرب و نه برای خود جمهوری اسلامی مساله، خود موضوع اتمی نیست بلکه موضوع خود جمهوری اسلامی است. این بخشی از بحران بورژوازی جهانی با حکومت اسلامی است که در این مرحله به صورت بحران اتمی خود را نشان میدهد و میتواند مدتها با افت و خیزهای بیشتری ادامه یابد. این بخشی از بحران حاکمیت بورژوازی در ایران است. اکنون جمهوری اسلامی در سطح بین المللی زیر فشار بیشتری است. آژانس اتمی بین المللی بعد از کنار رفتن البرادعی با سختگیری بیشتری با حکومت اسلامی برخورد میکند، روسیه نیز دچار کشاکشهایی با حکومت اسلامی شده و اخیراً در مورد نیروگاه بوشهر بگومگوهایی در سطح علنی بین آنها صورت گرفت. و بنابراین احتمال فشارهای بیشتر بر جمهوری اسلامی و صدور قطعنامه های تحریمی دیگر علیه حکومت کم نیست. فاجعه اتمی ژاپن نیز چندان در زیر مخصمه قرار گرفتن حکومت بی تاثیر نبوده است. کل اینها نشان میدهد که جمهوری اسلامی که فی الحال زیر فشار های اقتصادی و سیاسی به دلیل تحریمها قرار دارد، با معضلات و فشارهای بیشتری مواجه شود. *

استفاده می نمایند. وی گفت که تمام فعالیت های هسته ای حکومت زیر نظر و بخشا با نظر "مثبت" آژانس جریان دارد و در دوره ریاست البرادعی بر آژانس، بازرسان آژانس چندین بار از مراکز هسته ای دیدن کرده و صلح آمیز بودن این فعالیتها را تأیید کرده اند. او در باره توافقات انجام شده با روسیه برای میانجیگری بین جمهوری اسلامی و گروه O+1 و ارائه طرح موسوم به "گام به گام" از طرف روسیه اشاره کرده و گفت: "بنا بر این بوده که در یک طرح پنج ساله، ما به تمام پرسش های آژانس پاسخ دهیم در حالی که آن ها هم تحریم ها را بردارند. این طرح در حال بررسی است و نظراتی هم متقابلاً ارائه شده است و بررسی ها هنوز ادامه دارد."

صرف نظر از اینکه ادعاهای جمهوری اسلامی در مورد پیشرفت پروژه های هسته ای قدر به واقعیت نزدیک باشد، یک نکته واضح است که تقلاها و تلاش های رژیم برای دستیابی به فن آوری تولید سلاح های هسته ای، بویژه غنی سازی اورانیوم که ماده اولیه برای استفاده در تولید سلاح های هسته ای به کار گرفته می شود، ادامه دارد. این را آژانس نیز تأیید کرده است.

بهررو مساله اتمی جمهوری اسلامی همچنان بدون اینکه چشم اندازی برای

هفته ای که گذشت آژانس بین المللی انرژی اتمی گزارش جدید خود از تلاش ها و تقلاهای هسته ای جمهوری اسلامی را منتشر کرد. در این گزارش آمده است که جمهوری اسلامی برنامه های اتمی اش از پروژه غنی سازی اورانیوم گرفته، نصب سانتریفوژهای نسل جدید، غنی سازی بالای ۲۰ درصد برای تولید سلاح های اتمی و تولید آب سنگین را بدون توجه به قطعنامه های شورای امنیت و بویژه "شفاف سازی هسته ای" ادامه داده است. در این گزارش در مورد اهداف نظامی جمهوری اسلامی از فن آوری هسته ای ابراز نگرانی شده است. با انتشار این گزارش جمهوری اسلامی اعلام کرد که گزارش آژانس "غیر واقعی و جانبدارانه" و بر علیه برنامه های "صلح آمیز هسته ای" می باشد.

اوایل هفته گذشته رژیم اعلام کرد که تولید برق هسته ای در نیروگاه اتمی بوشهر آغاز شده و برق هسته ای به شبکه سراسری برق کشور وصل شده است. فریدون عباسی رئیس سازمان انرژی اتمی رژیم در واکنش به گزارش جدید آژانس، بر "صلح آمیز بودن" فعالیت های هسته ای رژیم اشاره کرد و مدعی شد که غرب و آژانس مخالف پیوستن ایران به "باشگاه هسته ای" بوده و از این موضوع به عنوان اهرم فشاری بر علیه جمهوری اسلامی

محو کند، با یک اتفاق ساده آب بازی لرزه بر پیکرش افتاده است و چهره کثیف و ضد انسانی خود را بیشتر به جهانیان نشان میدهد. همین عمل ساده آب بازی تمام قدرت این حکومت را به چالش کشید. حکومتی که هر روز به یک بهانه ای، موشک هوا می کند و تبلیغ میکند اورانیوم با درصد بیشتری غنی ساخته و همین امروز و فردا به توجه به عنایت آقا امام زمان بمب اتم اسلامی را رونمایی کند. این

حکومتی که میگیرد و میبندد و اگر دستش برسد زندانی سیاسی را میکشد و فعلاً به جان زندانیان عادی افتاده و هفته ای نیست که چند نفر از آنان را به قتل نرساند؛ اقتدار چنین رژیمی با یک آب بازی به شدت زیر سوال رفته است. زیرا این حکومت همه این کارها را کرده و میکند تا کسی به خود اجازه ندهد که بدون اجازه آن نفس بکشد. اما از آن سو جوانان (دختر و پسر) در یک فراخوان مشترک در ساعت معین در پارک

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

اسلام هراسی یا "دفاع پنهان از ارتجاع اسلامی!"



می خواهد قوانینش را در جامعه جاری کند و همه را به پیروی از این قوانین وادارد. این جنبش در متن جنگ سرد با حمایت و دخالت مستقیم دولت آمریکا و سایر دول غربی، برای مقابله با گسترش نفوذ شوروی و در اساس برای مقابله با نیروهای چپ و آزادیخواه در جوامع خاورمیانه شکل گرفت. روی کار آمدن رژیم اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ سرآغاز عروج مجدد و تعرض عنان گسیخته دولتها و جریانها و اسلامی به مردم نه فقط در ایران و خاورمیانه، بلکه در مقیاس جهانی بود. از زندانهای ایران، تا کوچه های الجزایر، از عربستان و افغانستان تا قلب اروپا، صدها هزار انسان توسط این جنبش ارتجاعی بخون و زنجیر کشیده شد و مورد سرکوب قرار گرفت. قربانیان این هیولای اعدام و ترور و سرکوب اسلامی، همه جا کمونیستها و آزادیخواهان، زنان، انساندوستان، مدافعان حقوق مدنی، جنبش زنان و مبارزین راه رفع تبعیض، جوانان و کودکان بوده اند. اکنون این جنبش به اعتبار انقلابات آزادیخواهانه مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا دوره افول خود را پشت سر می گذراند. نه فقط در این انقلابات به حاشیه رانده شده اند بلکه در جایی مثل جمهوری اسلامی ایران مستقیما مورد آماج خیزش انقلابی مردم بوده اند.

در اروپا هم ما شاهد حضور این جنبش سیاسی بوده ایم. در کشوری مثل انگلستان این جریان می خواهد قوانین شریعه را پیدا کند. در بعضی مناطق

لندن آفیش نصب می کنند و می گویند که اینجا قوانین شریعه حاکم است. در کانادا چند سال پیش تلاش داشتند که دادگاههای شریعه را بوجود آورند که از سوی نیروهای سکولار شکست خوردند. در سوئد حضور این جنبش در امامانی نمایان می شود که دختران زیر ۱۸ سال را مخفیانه به عقد مردان در می آورند. حضور این جریانها در اروپا از سوی دولتهای اسلامی مورد حمایت است. به کمک پولهای دولت عربستان سعودی در سوئد مسجد و مدارس اسلامی ساخته می شود. در مدارس اسلامی کودکان را شست و شوی مغزی می دهند. به آنها یاد می دهند که زن و مرد برابر نیستند و یک مرد حق دارد ۴ زن داشته باشد. مساجد به محل سربازگیری برای انجام عملیات تروریستی تبدیل شده است و ...

اسلام سیاسی در اروپا که درست مثل همه دولتهای اسلامی پاسدار ارزشهای مغایر با معیارهای انسانی است مورد نقد و اعتراض بوده است. نقد و اعتراض علیه اسلامی سیاسی فقط از سوی نیروهای مترقی و سکولار صورت نمی گیرد. جریانها راسیستی نیز باورهای نژاد پرستانه خود را به بهانه مخالفت با اسلام و اسلام سیاسی عرضه می کنند. ولی هر کدام از این دویرونها تفاوتها و بنیادی با یکدیگر دارند. به جریانها راسیستی بعدا می پردازیم ولی اول خوب است به موضوعی اشاره کنیم که علیه ما بکار گرفته می شود. "اسلام هراسی!"

سؤال این است که آیا ما در قبال اسلام و اسلام سیاسی به فویبا دچار شده ایم؟ اسلام تا آنجایی که در کتابهاست و از حرف به عمل نیامده است تنها سزوار نقد است. اینجا به فویبا دچار شدن اصولا هیچ معنایی ندارد. جهان بینی اسلامی می تواند

مورد نقد قرار گیرد همانطور که مثلا جهان بینی نژادپرستانه مورد نقد است. این نقد می تواند بیرحمانه، با مزاح و یا طنز توأم باشد و به اشکال مختلف مثلا در قالب نوشته و یا نقاشی و یا فیلم ارائه گردد. از این رو ما آزادیخواهان و سکولاریست ها خواهان آزادی بی قید و شرط نقد و بخصوص نقد مذاهب هستیم. عده ای تلاش می کنند که مذهب را از زیر نقد خارج کنند. می گویند که اینها به "مقدسات" جامعه تعلق دارد غافل از اینکه سلاح نقد هیچ نوع مقدساتی را به رسمیت نمی شناسد. اسلامیهستها معمولاً جواب نقد را با تفنگ و تهدید می دهند. این شدت انزجار آور است و باید قویا محکوم شود.

اما در مورد جنبش اسلام سیاسی که می خواهد اسلام را از حرف به عمل در آورد چه؟ اینجا هم از نظر ما صورت مسئله "اسلام هراسی" نیست. مسئله بر سر مقابله جنبش های مختلف اجتماعی است. مسئله بر سر این است که یک جنبش ارتجاعی می خواهد جامعه را به عقب برگرداند و قوانین قرون وسطایی شریعه را اجرا کند. و در مقابل یک جنبش اجتماعی متمدن و سکولار می خواهد از مبانی مدرن و سکولار جامعه پاسداری کند. بطور قطع عواقب هر گونه پیشروی اسلام سیاسی در اروپا نگران کننده است. اگر چه با افول جهانی این جنبش و مقابله قاطع بشریت مترقی با ارتجاع اسلامی چنین امکانی کمتر محتمل به نظر می آید. با اینحال این نگرانی زمینه های واقعی دارد. چون ما دیده ایم که اینها در ایران چگونه زنان را سنگسار می کنند. اعدامهای دسته جمعی و علنی راه می اندازند. حقوق فردی و مدنی شهروندان را پایمال می کنند. و یا در جایی مثل سومالی حتی از کمک به قحطی زدگان ممانعت می کنند. این لیست بسی طولانی است. ما وظیفه خود می دانیم که در مقابل جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی بایستیم.

بخصوص اینکه هنوز دولتهای غربی با این جنبش مماشات می کنند. در این مبارزه طبعاً ما حمایت و پشتیبانی مردمان زیادی را با خود داریم.

اجازه دهید چند نکته هم در باره راسیسم و نئوفاشیسم در اروپا بگوئیم. ما همانقدر که مخالف اسلامی سیاسی هستیم با راسیسم نیز مخالفت داریم. از نظر ما اینها هر دو شباهت زیادی با هم دارند. یکی بر اساس نژاد، آدمها را خوب و بد می کند و حاضر است خون آدمهای با "نژاد پست تر" را بریزد. دیگری درخت اسلام را با خون غیر معتقدان به اسلام آبیاری می کند. راسیسم و نئوفاشیسم در اروپا علاوه بر محور نژاد به تعلق خود به مسیحیت اصیل تاکید دارد. اسلام سیاسی نیز بر ارتدکس بودن اسلام خود تاکید دارد. هر دو از مذهب استفاده می کنند. هر دو جریان تاب تحمل مخالفان خود را ندارند و آنها را نابود می کنند. یکی با جنایتی نظیر آنچه که در نروژ اتفاق افتاد. و دیگری با بمب گذاری در اماکن عمومی در اروپا. هر دو از ترور و ایجاد وحشت برای پیگیری اهداف سیاسی خود استفاده می کنند. طبق نظر راسیست ها و نئوفاشیستها در اروپا خارجیان شهروندان متساوی الحقوق نیستند و باید از اروپا بیرون ریخته شوند. در نزد اسلامیهستها زنان یعنی نیسی از جامعه بخاطر زن بودنشان بی حقوق می شوند و به جای اخراج در زندان جامعه اسلامی گرفتار می آیند. یکی برای جلوگیری از "هجوم اسلام" به اروپا نسخه بالاتر کشیدن دیوارهای اروپا ارائه می دهد. و دیگری برای جلوگیری از نفوذ "فرهنگ مستهجن غربی" به جنگ آنتن های بشقابی و اینترنت و فیسبک و تویتر می رود. هر دو می خواهند سانسور و خفقان در جامعه حاکم کنند. هم راسیستها و نئوفاشیستها و هم اسلامیهستها هر دو مخالف همجنسگرایان هستند. یکی به ما قول می دهد که همجنسگرایان به آتش

جهنم گرفتار خواهند آمد. و دیگری همین امروز آنها را اعدام می کند. بنابراین مبارزه ما علیه هر دو این جبهه ضد انسانی است. کسانی که ما را متهم به اسلام هراسی می کنند در واقع مخالفت ما با اسلام سیاسی و مقابله با آنها بر نمی تابند و با آن مخالفتند. اینها از این طریق دارند بطور شرمگینانه از این این جریان ارتجاعی حمایت می کنند.

و در آخر مایلیم که پیرامون یک موضوع دیگر نیز اظهار نظر کنیم. معمولاً در نقد ما گفته می شود که ما به عقاید دیگر احترام نمی گذاریم. ما فکر می کنیم که نباید هم به هر عقیده ای احترام گذاشت. عقیده ایی که می گوید زنان را باید ختنه کرد قابل احترام نیست. عقیده ایی که می گوید خارجیان را از اروپا باید بیرون ریخت قابل احترام نیست. آنچه قابل احترام است حق افراد است که هر چه می خواهند بگویند. ما از این حق دفاع می کنیم. حتی ارتجاعی ترین نظرات نیز از نظر ما حق دارند که بیان شوند به شرط اینکه ما هم حق نقد آنها را داشته باشیم و آزادی ما محدود نگردد. در ثانی تحت عنوان "احترام به عقاید" دیگران به اسلام سیاسی در اروپا میدان داده می شود که مثلا اجرای قوانین شریعه در اروپا را مطرح کند. این "احترام" نیست. بلکه نوعی راسیسم وارونه است که بخشی از جامعه را از حقوق برابر با دیگران محروم می کند. ما بر ساختن و تعریف کردن جامعه بر اساس تعلقات ملی، مذهبی و نژادی بشدت مخالفیم. ما از ارزشهای جهانشمول انسانی و حقوق برابر و یکسان همه شهروندان صرفنظر از هر عقیده و باوری که داشته باشند، دفاع می کنیم.*

توضیح نویسنده: این متن فارسی نوشته ای است که برای ترجمه و انتشار در یک نشریه سکولار سوئدی آماده شده است.

انترناسیونال
را بخوانید
و
وسیعاً تکثیر
و پخش کنید

Director of DV8 physical theatre Lloyd Newson, 22 August 2011.

Maryam was also interviewed in Persian on SBS Radio's Persian Program, 27 August 2011.

silence on Sharia law, Chris Merritt, The Australian, 23 August 2011.

ABC Radio National's Late Night Live with Phillip Adams interviewing Maryam Namazie along with

interviewing Maryam Namazie along with artist Kavisha

Mazzella and 9/11 survivor Genelle Guzman-McMillan, 24 August 2011.

British campaigner battles media cone of

از صفحه ۳
گفتگو با مریم نمازی ...

Strength in Numbers, Channel 7; Today Tonight, 24 August 2011.

ABC Radio 774's Conversation Hour with Jon Faine (Melbourne)

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

از صفحه ۲

دنیا پس از دهه "یازده سپتامبر"

تروریستها از مدتها قبل، از همان سالهای آخر ریاست جمهوری بوش، پایان رسیده بود. به این معنی بن بست عراق و افغانستان و شکست نئوکنسرواتیستها در انتخابات آمریکا اعلام پایان این دوره بود. از نقطه نظر اقتصادی نیز اوجگیری بحران سرمایه جهانی و سقوط وال استریت در اکتبر ۲۰۰۸ ضربه کاری ای به کمپ سرمایه داری بازار آزاد وارد آورد.

تروریسم اسلامی نیز دوران رونق خود را مدتهاست پشت سر گذاشته و در سراشیب قرار گرفته است. بنابراین میتوان گفت سیر افول تروریسم اسلامی و تروریسم میلیتاریستی غرب مدتهاست آغاز شده اما اهمیت انقلابات اخیر، که انقلاب ۸۸ ایران طلایه دار آن بود - در آنست که توده مردم دنیا که در "دهه یازده سپتامبر" ناظرین خاموش و قربانیان جنگ تروریستها بودند علیه نظم موجود و برای تغییر ریشه ای آن پایا خاسته اند. این فاکتور قدرت مردم کل بساط نیروهای ارتجاعی کمپ سرمایه را بهم میریزد. انقلابات منطقه، همچنانکه اعتراضات در آتن و پاریس و لندن و مادرید، بر خلاف بسیاری از تحولات دوره گذشته، تماما در خارج از چارچوب

کشمکشهای غرب و جنبش اسلام سیاسی و کاملا در نقطه مقابل این کشمکشها قرار میگيرد. این انقلابات علیه نیروها و دولتهائی از هر دو کمپ - مصر و تونس از کمپ غرب و ایران و سوریه و لیبی از کمپ اسلام سیاسی - و لذا علیه هر دو قطب است. بیجهت نیست که تحولات جاری هر دو سوی این کشمکش را غافلگیر و هراسان ساخته است. من در نوشته های قبلی هم به این اشاره کرده ام که در دهه یازده سپتامبر، و کلا در دوران پس از جنگ سرد، این سیاستها و تحركات و ابتکار عمل نیروهای ارتجاعی، نیروهای اسلامی و غیر اسلامی در اردوی بورژوازی جهانی بود که به تحولات و نقاط عطف تاریخ معاصر شکل میداد: فروپاشی دیوار برلین، جنگ داخلی یوگسلاوی، جنگ خلیج، یازده سپتامبر، حمله به عراق و افغانستان، سقوط وال استریت و اریز کردن بودجه خدمات عمومی به حساب بانکها و سرمایه های مالتی میلیارد دلاری و غیره، همه اینها تحولاتی بودند در کمپ سرمایه و علیه توده مردم. با انقلاب ۸۸ در ایران و بدنبال آن زنجیره انقلاباتی که هنوز ادامه دارد، نه تنها این روند فعال مایشائی نیروهای ارتجاعی متوقف میشود بلکه این فاکتور قدرت مردم، فاکتور انقلاب و اعتراض، و جنبش و خیزش مردم بجان آمده علیه وضع موجود است

اعتصاب کارگران متروی اهواز ادامه دارد

به گزارش ایسنا در روز ۱۵ شهریور، بعد از گذشت ده روز از اعتصاب کارگران پروژه متروی اهواز، این اعتصاب همچنان ادامه دارد.

اعتصاب کارگران بر سر حقوق های پرداخت نشده کارگران است و کارگران خواهان پرداخت فوری حقوقهای خود هستند. اکنون شش ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. بنا به این گزارش حمید قناعتی "مدیر کل سیاسی و تقسیمات کشوری استان خوزستان" گفته است که شرکت کیسون که پیمانکار پروژه قطار شهری اهواز است باید حقوق آن ها کارگران هستیم و باید حقوق آن ها کاملا پرداخت شود. شرکت کیسون هم توان پرداخت حقوق کارگران را

که نیروهای کمپ ارتجاع جهانی را سراسیمه میکند و به عکس العمل و حالت تدافعی میراند. تا همینجا اعاده حیثیت از پدیده نام انقلاب - که بویژه از فروپاشی دیوار برلین به بعد دولتها و رسانه ها آنرا به یک تابو و امر مذموم تبدیل کرده بودند - و کتمان "ارزشهای جهانشمول انسانی" و "حق مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود" و همچنین بی اعتباری نظریه های ارتجاعی ای نظیر نسبیت فرهنگی و قومی - ملی - مذهبی تعریف کردن جوامع و تز "گفتگو و جنگ تمدنها" و غیره، از دستاوردهای این دوره تازه بوده است. و ما هنوز در ابتدای راهیم. به نظر من کاملا این احتمال وجود دارد که این جنبشهای انقلابی تا سطح بجالش کشیدن دموکراسی و دولت مافوق مردم و کل نظم اقتصادی و سیاسی سرمایه داری در غرب و در شرق به پیش بروند. این البته بیش از هر چیز در گرو ایفای نقش ما کمونیستها است - که خود بحث جداگانه ای می طلبد - اما تا آنجا که به شرایط عینی سیاسی مربوط میشود بروشنی میتوان نشانه های شکل گیری نقد و اعتراض ریشه ای به دموکراسی و دولت مافوق مردم را در این تحولات مشاهده کرد. دور تازه و کاملا بیسابقه ای از انقلابات و اعتراضات علیه نظم سرمایه داری در جهان آغاز شده است. باید با تمام قوا با استقبال این شرایط رفت.*

خود مبنی بر پرداخت دوماه حقوق معوقه کارگران پروژه عمل نکرده است. بنا به گزارش ایسنا قناعتی گفته است پیمانکار پروژه با کارفرما مناقشاتی دارد و البته باید ادعاهای او اثبات شود. بنا به این گزارش مدیرکل سیاسی و تقسیمات کشوری استانداری خوزستان همچنین اعلام کرد که پیمانکار پروژه قطار شهری اهواز برای رسیدن به خواسته های خود از روش اعمال فشار بر کارگران استفاده می کند؛ ما طرفدار حقوق کارگران هستیم و باید حقوق آن ها کاملا پرداخت شود. شرکت کیسون هم توان پرداخت حقوق کارگران را

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلائی بدل میشود!

زنده باد مردم مبارز در آذربایجان!

نگ بر فاشیستهای تلویزیون گوناز



محسن ابراهیمی

مردم ارومیه و تبریز دوباره پیاخاستند. فریاد زدند: "ارومو گولو جان ویریر، مجلس اونون قتلینه میدهد، مجلس با این شعار نشان دادند که آگاهند و دشمن را خوب میشناسند. میدانند که دشمن حکومت اسلامی است. میدانند که قاتل مستقیم دریاچه همان است که دو سال پیش در تهران و تبریز و اصفهان و شیراز و سراسر ایران مردم معترض را به گلوله بست.

جوانان و زنان و مردان ارومیه و تبریز با این مبارزه شان در واقع جنبش انقلابی دو سال پیش را زنده کردند. جنبشی که آزادی میخواست. حرمت انسانی میخواست. برابری میخواست. مردم آذربایجان هم آزادی و حرمت انسانی میخواهند.

حکومت اسلامی همان کاری را کرد که انتظار میرفت. اوباش مسلح و چاقو به دستش را به سراغ مردم مبارز فرستاد. مردم در مقابل سرکوبگران اسلامی، بلندتر و قوی تر ارگانهای رژیم اسلامی را هدف گرفتند. بلندتر فریاد زدند "دریاچه ارومیه جان میدهد، مجلس به قتل آن فرمان میدهد" و به نبرد متقابل دست زدند.

این وسط تلویزیون گوناز، به یک تحرك فاشیستی دست زده است. مردم فریاد میزنند "دریاچه ارومیه

جان میدهد، مجلس به قتل آن فرمان میدهد". اوبالی احمد در گوناز تی وی داد میزند نه خیر شعار مردم این بود: "دریاچه ارومیه جان میدهد، فارسها به قتل آن فرمان میدهند!" همه کلیپهای ویدیویی نشان میدهند که این سراپا و آشکارا دروغ است. قبیحانه است. هیچ ربطی به مبارزه انسانی و آزادیخواهانه مردم در آذربایجان ندارد. در مقابل خواسته های انسانی مردم آذربایجان است. در مقابل تلاش مردم آذربایجان برای نابود کردن هرگونه تبعیض است.

حکومت اسلامی، از مردم هراسناک است اما از دروغهای قوم پرستان گوناز تی وی بسیار خوشحال است. این حکومت همیشه تلاش کرده است میان مبارزه مردم در ایران تفرقه بیاندازد. گوناز تی وی هم با این سیاست فاشیستی اش مستقیما دارد به سیاستهای حکومت اسلامی خدمت میکند. زنده باد مبارزه آزادیخواهانه مردم آذربایجان. ننگ و نفرت بر تحركات فاشیستی.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

فرانسه و کانادا: +۱-۵۱۴-۷۳۸۳۹۱۷
ایران: babakyazdi@yahoo.com
روسی (موسکو): +۷-۴۹۵-۹۲۲۲۲۲
ایران: zaratash@yahoo.com
فرانسه: +۳۳-۱-۷۳۳۸۳۹۱۷
ایران: masim_info@yahoo.com
چین (شانگهای): +۸۶-۲۱-۲۲۲۲۲۲۲۲
ایران: jattali@yahoo.com
آلمان (برلین): +۴۹-۳۰-۱۷۳۲۵۰۵۹۹
ایران: mahinkushak@online.de

کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

"یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهرلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهرلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

افزایش بی سابقه حقوق کارکنان دولتی در قطر

قبلا نیز بشار اسد گفته بود و قبل از آن تنایهاو گفته بود که اسرائیل کشوری است آرام و بی مشکل در میان يك منطقه غیر آرام. اکنون سوریه دستخوش يك انقلاب تمام عیار است و اسرائیل نیز بزرگترین تظاهراتهای تاریخ حیاتش را طی این یک هفته گذشته شاهد بوده است. بهررو افزایش چندین برابر حقوق ها و دستمزدها برای کارگران و کارکنان يك خبر خوش است. اما هیچگاه کسی قادر نبوده است که انقلاب را با افزایش دستمزد بخرد. باید دید جناب امیر قطر تا چه حد در این تجربه موفق بیرون می آید.*

بازنشستگان بخش دولتی نیز به میزان ۶۰ درصد افزایش می یابد.

روشن است که این اقدام تلاشی است برای خریدن انقلاب توسط امیر قطر از خزانه این کشور. قبل از آن نیز حکومت عربستان شروع به افزایش حقوقها و بازنشستگی کرده بود. یکی از سخنگویان دولت قطر این ارزیابی را که نگرانی از انقلابات منطقه باعث این تصمیم شده است رد کرده و میگوید در قطر مردم مشکلی با حکومت ندارند و این اقدام ربطی به انقلابات ندارد. اینکه مردم مشکلی با حکومت ندارند را

بنا به گزارش خلیج نیوز در روز ۷ سپتامبر، دولت قطر در يك اقدام بی سابقه حقوق کارگران و کارمندان دولتی را ۶۰ درصد افزایش داد. بنا به این تصمیم همچنین حقوق افسران ارتش ۱۲۰ درصد افزایش داده شده است و کارکنان عادی ارتش نیز ۵۰ یا ۶۰ درصد اضافه حقوق دریافت میکنند. گفته میشود که بخش خصوصی نیز زیر فشار این افزایش بی سابقه حقوقها ناچار است دستمزدها و حقوق کارگران و کارکنان این بخش را به میزانی مشابه افزایش دهد در غیر اینصورت دچار مشکل خواهد شد. بنا به این تصمیم حقوق

تصاویری از تظاهرات جهانی در دفاع از مردم کردستان عراق، علیه

جنایات جمهوری اسلامی و دولت ترکیه!



زنده باد سوسیالیسم!